

صلى الله عليه وسلم



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه علوم سیاسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی روابط بین‌الملل

تبیین تاثیر ژئوپلیتیک روسیه بر موقعیت این کشور در ساختار نظام بین‌الملل در قرن

۲۱

استاد راهنما:

دکتر سعید وثوقی

استاد مشاور:

دکتر نوذر شفیعی

پژوهشگر:

بهاء‌الدین مریمی

مهر ماه ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان می‌باشد.



دانشگاه اصفهان
دانشکده علوم اداری و اقتصاد
گروه علوم سیاسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل آقای بهاء‌الدین مریمی
تحت عنوان

تبیین تاثیر ژئوپلیتیک روسیه بر موقعیت این کشور در ساختار نظام بین‌الملل در قرن

۲۱

در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۹ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر سعید وثوقی با مرتبه علمی استادیار امضاء

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر نوذر شفیعی با مرتبه علمی استادیار امضاء

۳- استاد داور داخل گروه دکتر محمدعلی بصیری با مرتبه علمی استادیار امضاء

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر حمیدرضا وارثی با مرتبه علمی دانشیار امضاء

امضای مدیر گروه
دکتر سعید وثوقی

چکیده

روسیه بعد از فروپاشی در سال ۱۹۹۱، جایگاه خود به عنوان یک ابرقدرت را از دست داد. با این وجود، روسیه همچنان کشوری قدرتمند است و دارای بزرگ‌ترین سرزمین‌ها در جهان می‌باشد. روسیه دارای گستردگی بی‌نظیری می‌باشد؛ این بزرگ‌ترین کشور جهان به گونه‌ای در نقشه سیاسی جهان قرار گرفته است که پنج هزار مایل از شرق به غرب و در یازده منطقه زمانی قرار گرفته است. موقعیت جغرافیایی آن، این امکان را برای روسیه فراهم آورده است که می‌تواند حضوری فیزیکی و فعال را در بیشتر مناطق مهم و حساس جهان را داشته باشد. این گستردگی باعث شده که روسیه با چالش‌های گوناگون و فرصت‌های منحصر به فرد ژئوپلیتیکی مواجه باشد و روسیه نیز پس از فروپاشی همواره در صدد کسب جایگاه قدرت برتر و برابر با قدرت‌های جهان بوده است، لزوم مدیریت و کنترل بحران‌ها و استفاده حداکثری از فرصت‌ها برای کسب جایگاه برتر و معقول‌تر مورد نظر خود را درک کرده است. بر همین اساس برای تجزیه و تحلیل این عوامل در پژوهش حاضر از بنیان نظری ژئوپلیتیک بهره گرفته شده است. ژئوپلیتیک می‌تواند روابط میان جغرافیای کشورها و سیاست‌هایشان را نشان دهد. روسیه توانسته با بهره‌گیری از فرصت‌های حاصل از ژئوپلیتیک خود، بخش اعظم قدرت از دست رفته‌ی پس از فروپاشی را بازیابی کند و نقش خود را به عنوان یک قدرت مهم و تأثیرگذار در عرصه معادلات و امنیت بین‌المللی تثبیت کند. سوال اصلی که این پژوهش در صدد پاسخگویی به آن می‌باشد همین تأثیر نقش ژئوپلیتیک روسیه بر سیاست خارجی و موقعیت کنونی این کشور در نظام بین‌الملل است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است.

کلید واژه‌ها: فدراسیون روسیه، ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، هویت ملی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول

کلیات پژوهش

- ۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی: ۱
- ۲-۱- کلید واژه‌ها: ۲
- ۳-۱- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق: ۳
- ۱-۳-۱- منابع فارسی: ۳
- ۲-۳-۱- منابع لاتین: ۴
- ۴-۱- اهداف تحقیق: ۵
- ۵-۱- اهمیت و ارزش تحقیق: ۵
- ۶-۱- کاربرد نتایج تحقیق: ۵
- ۷-۱- سوال‌های تحقیق: ۶
- ۱-۷-۱- سوال اصلی: ۶
- ۲-۷-۱- سوالات فرعی: ۶
- ۸-۱- فرضیه تحقیق: ۶
- ۹-۱- روش تحقیق: ۶
- ۱۰-۱- ابزار گردآوری داده‌ها: ۶
- ۱۱-۱- ابزار تجزیه و تحلیل: ۶
- ۱۲-۱- سازماندهی پژوهش: ۷

فصل دوم

مبانی نظری

- ۹-۲-۱- مقدمه: ۹
- ۱۰-۲-۲- تاریخچه: ۱۰
- ۱۲-۳- اهمیت نظری: ۱۲
- ۱۶-۴- تعریف مفهومی و نظری ژئوپلیتیک: ۱۶
- ۲۳-۵- دوره‌های تکامل و توسعه نظری ژئوپلیتیک: ۲۳
- ۲۶-۶- ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم: ۲۶
- ۲۷-۷- اصطلاحات کلیدی ژئوپلیتیک: ۲۷
- ۲۸-۸- ارتباط موضوعی و مفهومی مبانی نظری با پژوهش: ۲۸
- ۳۱-۹- نتیجه‌گیری: ۳۱

فصل سوم

تبیین فرصت‌ها و عوامل مثبت و تاثیرگذار ژئوپلیتیک روسیه

- ۳۲-۱- مقدمه: ۳۲
- ۳۳-۲- موقعیت مکانی روسیه: ۳۳
- ۳۹-۳- خارج نزدیک: ۳۹
- ۴۵-۴- ابرقدرت انرژی: ۴۵
- ۵۴-۵- مسیرهای خطوط لوله انتقال انرژی: ۵۴
- ۵۵-۶- نتیجه‌گیری: ۵۵

فصل چهارم

چالش‌ها و عوامل تهدیدزای ژئوپلیتیک روسیه

- ۵۷-۱- مقدمه: ۵۷
- ۵۸-۲- چالش در عرصه داخلی: ۵۸

۵۸	۴-۲-۱- شرق دور روسیه:
۵۹	۴-۲-۲- بحران هویت در داخل:
۶۲	۴-۲-۳- بحران‌های قومی داخلی:
۶۳	۴-۳- تهدیدات در خارج نزدیک:
۶۸	۴-۳-۱- قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خارج نزدیک:
۷۰	۴-۴- تهدیدات ژئوپلیتیکی در عرصه بین‌المللی:
۷۴	۴-۴-۱- از ناحیه چین:
۷۶	۴-۴-۲- تهدید ناتو:
۷۸	۴-۴-۳- سپر دفاع ضد موشکی ناتو:
۷۹	۴-۵- تهدیدات در حوزه انرژی:
۸۲	۴-۶- نتیجه‌گیری:

فصل پنجم

تأثیر ژئوپلیتیک روسیه بر موقعیت این کشور در ساختار نظام بین‌الملل قرن ۲۱

۸۴	۵-۱- مقدمه:
۸۵	۵-۲- موقعیت منطقه‌ای روسیه:
۸۷	۵-۲-۱- خارج نزدیک:
۸۷	۵-۳- موقعیت بین‌المللی روسیه:
۹۳	۵-۳-۱- موقعیت بین‌المللی روسیه در ارتباط با ایالات متحده:
۹۵	۵-۳-۲- موقعیت بین‌المللی روسیه در ارتباط با اتحادیه اروپا:
۹۶	۵-۳-۳- روسیه و ناتو:
۹۸	۵-۴- بحران ۲۰۰۸ گرجستان: رویارویی قدرت‌ها در خارج نزدیک:
۱۰۰	۵-۵- ابرقدرت انرژی روسیه در ساختار جهانی:
۱۰۳	۵-۶- تأثیرگذاری روسیه در ساختار جهانی:

- ۱۰۶.....: ۷-۵- ایران در رویکردهای سیاست خارجی روسیه
- ۱۰۷.....: ۸-۵- نتیجه‌گیری
- ۱۰۸.....: سخن پایانی
- ۱۱۰.....: آزمون فرضیات پژوهش
- ۱۱۰.....: راهکارهای پژوهش
- ۱۱۲.....: منابع و مآخذ
- ۱۱۲.....: منابع فارسی
- ۱۱۸.....: منابع لاتین

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی:

روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۹۰، جایگاه خود را به عنوان ابرقدرت و رهبر یکی از دو بلوک از دست داد. روسیه پس از گذار از بحران‌های فروپاشی اقتصادی و سیاسی و تجزیه کشور و بازگشت مرزهای آن به مرزهای اواخر قرن ۱۸، سعی در احیای هویت خود به عنوان ابرقدرت منطقه‌ای و قدرت بزرگ تاثیرگذار جهانی دارد. بر این اساس نخبگان روسی یکی از مهمترین گزینه‌ها و راه کارهای اساسی برای دستیابی به این هدف را تاکید بر موقعیت جغرافیایی خود و استفاده از امکاناتی می‌بینند که این موقعیت در اختیار آنان قرار داده است. اما همین موقعیت جغرافیایی در کنار فرصت‌هایی که ایجاد کرده است، موانع و محدودیت‌هایی را نیز فراهم نموده است. قرار گرفتن فدراسیون روسیه در دو قاره اروپا و آسیا، باعث سردرگمی‌های هویتی شده و روسیه تاکنون نتوانسته است بین اروپایی بودن و آسیایی بودن هویت خود و یا تلفیق یا تمایزی از این دو را به عنوان هویت رسمی و مشخص خود انتخاب کند (کوهن، ۱۳۸۷: ۳۹۹). در دوران رهبری یلتسین، روسیه غالب نشانه‌های رژیم شوروی را حذف کرد و نشانه‌های پیش از انقلاب را دوباره اعتبار داد. روسیه نو هنوز فاقد یک ایدئولوژی مشترک است این در حالی است که ایدئولوژی کمونیسم تا حدودی محفوظ مانده است، میراث تزاری تا حدودی اعاده کرده ولی کلیسای ارتدوکس نتوانسته نفوذ گذشته خود را زنده کند. (ماتیل، ۱۳۸۴: ۵۵۸)

موقعیت جغرافیایی روسیه در حاشیه غرب و نداشتن مرزهایی امن، به تبیین رابطه دشواری که آن کشور در طول تاریخ با غرب داشته است کمک می‌کند (گریفتس، ۱۳۸۸: ۵۷۵). عوامل ژئوپلیتیک همواره به عنوان عوامل

تاثیرگذار بر سیاست خارجی دولت‌ها مورد توجه بوده‌اند، اما مهم این است که چگونه بازیگران سیاسی آن کشور، معانی را به آن واقعیت استناد می‌دهند. بر این اساس، مسائلی از قبیل ژئوپلیتیک و تجربه تاریخی به عنوان یک متغیر میانی در زبان و گفتمان سیاسی یک دوره خاص ساخته می‌شوند. (کرمی، ۱۳۸۴: ۲۵)

بنابراین، براساس کارنامه و روند اجرای سیاست‌ها در دولت‌های دهه اول قرن ۲۱ و اتخاذ سیاست‌ها و استراتژی واقعی‌گرای عملگرا بویژه در دوره پوتین، می‌توان نزدیکی تصورات به واقعیت را محسوس‌تر مشاهده نمود. این در شرایطی اهمیت دارد که در متون و ادبیات فارسی امروز منابع قابل اعتنایی در مورد ژئوپلیتیک روسیه به رشته تحریر در نیامده است. بنابراین هدف عمده این پایان‌نامه تجزیه و تحلیل ژئوپلیتیک روسیه و تاثیر این شرایط بر استراتژی‌ها و عملکرد این کشور در صحنه بین‌المللی است.

۱-۲- کاید واژه‌ها:

۱- **فدراسیون روسیه**^۱: بعد از فروپاشی نظام کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی در ۲۴ آگوست ۱۹۹۱ شکل گرفت. سرزمیت تحت حاکمیت فدراسیون روسیه ۱۷,۰۹۸,۲۴۲ km می‌باشد که از نظر وسعت، وسیع‌ترین کشور جهان است و این سرزمین‌ها در دو قاره اروپا (۴۰٪) و آسیا (۶۰٪) واقع شده است. نحوه اداره کشور براساس قانون اساسی، فدرالی می‌باشد که شامل ۴۶ ایالت و ۲۱ جمهوری خودمختار است (CIA-The World Fact book, 2012).

۲- **ژئوپلیتیک**^۲: ژئوپلیتیک بررسی تاثیر عوامل جغرافیایی بر رفتار دولت است - این که چگونه موقعیت مکانی، اقلیم، منابع طبیعی، جمعیت و تکه زمینی که یک دولت روی آن قرار گرفته است گزینه‌های سیاست خارجی دولت و جایگاه آن را در سلسله مراتب دولت‌ها تعیین می‌کند (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۵۷۴).

در مطالعات ژئوپلیتیک، اثر عوامل جغرافیایی، مانند وضع جغرافیایی یک کشور یا فرآیندهای طبیعی آن بر سیاست آن دولت یا ملت؛ و این که اختراعات و کشف‌ها چگونه ارزش عوامل جغرافیایی را دگرگون می‌کنند، بررسی می‌شود. نظریه ژئوپلیتیشین آلمانی، هاوس هوفر^۳، از سرنوشت مکانی ملت‌ها سخن می‌گفت (علی بابایی، ۱۳۷۷: ۱۴۴).

۳- **سیاست خارجی**^۴: عبارت است از یک استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح ریزی شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی

1 . Russian Federation
2 . Geopolitics
3. Karl Haushofer
4 . Foreign Policy

است. سیاست خارجی شامل تعیین و اجرای یک سلسله اهداف و منافع ملی است که در صحنه بین‌المللی از سوی دولت‌ها انجام می‌پذیرد. سیاست خارجی همچنین می‌تواند ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن در قبال کنش دیگر دولت‌ها باشد (علی بابایی، ۱۳۷۷: ۱۶۶).

۴- هویت ملی^۱: هویت به عنوان تشابه و یکنواختی ویژگی‌های عمومی و اساسی، یا فرآیند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه مبهم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود. هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است (کرمی، ۱۳۸۴: ۳).

آنچه که معنای هویت واحدهای سیاسی را تشکیل داده است در گذر زمان دچار دگرگونی شده و از این رو، در هر دوره‌ای اساس هویت یک واحد سیاسی موضوعی خاص بوده است. مذهب، سرزمین، قومیت و ملت از مهم‌ترین مولفه‌های شکل دهنده هویت جمعی بوده است (همان: ۷۵).

۱-۳- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق:

۱-۳-۱- منابع فارسی:

عزت الله عزتی (۱۳۸۲) در «ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم» بررسی کوتاهی از ژئوپلیتیک روسیه انجام می‌دهد. عزتی در این کتاب بیشتر جنبه تاریخی ژئوپلیتیک روسیه را مورد مطالعه قرار می‌دهد و مطالعات خود را پایه مطالعات بعدی قرار می‌دهد. نویسنده بر این باور است که روسیه در صدد بازسازی خود است نه احیای خود. ایشان مسائل داخلی و خارج نزدیک ژئوپولیتیک روسیه را بررسی می‌کند و سایر جنبه‌های مهم فرامنطقه‌ای و جهانی تاثیرگذاری ژئوپلیتیک روسیه را مورد مطالعه قرار نمی‌دهد.

سائول برنارد کوهن^۲ (۲۰۰۲) در کتاب «ژئوپلیتیک نظام جهانی» به جنبه‌هایی از ژئوپلیتیک روسیه می‌پردازد. نویسنده در این کتاب دید کلی از ژئوپلیتیک روسیه دارد و بیشتر به توصیف ژئوپلیتیک روسیه می‌پردازد و جنبه‌های تحلیلی آن بسیار کم و مختصر است و به نوعی داده پردازی می‌کند. کوهن آینده ژئوپلیتیک روسیه را مثبت ارزیابی می‌کند، اما به دلیل زمان نگارش این اثر، تحولات مهم دهه اول قرن بیست و یکم را در خود ندارد. این کتاب پایه‌ای برای مطالعات ژئوپلیتیک می‌باشد و آغاز راه در این زمینه است.

1. National Identity
2. Saul Bernard Cohen

۱-۳-۲- منابع لاتین:

اسمیت^۱ (۱۹۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقاب‌های پروتئوس: روسیه، تغییر ژئوپلیتیک و اوراسیاگرایی جدید» ادعا می‌نماید که واژه اوراسیا اصطلاح کلیدی در گفتمان ژئوپلیتیکی روسیه است. اوراسیاگرایی تصویری است از روسیه که به عنوان پل ارتباطی فرهنگی و ژئوپلیتیکی بین اروپا و آسیا مطرح می‌باشد. اما این دیدگاه، از لحاظ تاریخی از سوی اروپا رد شده است و بر همین اساس روسیه در آسیا دست به پیشروی و توسعه زده است و ویژگی‌های آسیایی بودن را بیشتر یدک می‌کشد. از نظر اسمیت، روسیه به این نتیجه می‌رسد که باید برای هویت خویش راهی جدا از اروپایی بودن و یا آسیایی بودن برگزیند، یعنی راه سومی را بنابر ارزش‌های فرهنگی و تاریخی منحصر به فرد خود طی کند. نویسنده این راه سوم را فرهنگ مسلط ژئوپلیتیکی روسیه در فضای پس از فروپاشی شوروی می‌داند.

جان آل‌خلین^۲ (۲۰۰۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «طرح روایت‌های ژئوپلیتیکی روسیه و افکار عمومی به دنبال ۱۱-۹: تحلیل‌های ژئوپلیتیکی بحران و نظرسنجی ملی» که در سال ۲۰۰۴ و براساس نظرسنجی‌هایی که شش ماه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ انجام شده است، به این اشاره دارد که با وجود حمایت عمومی از همراهی دولت پوتین از سیاست جنگ علیه تروریسم ایالات متحده، اما باز هم شک و تردیدهایی نسبت به این سیاست‌ها وجود دارد. در این مقاله اذعان می‌کند که حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ باعث شد که تا حدودی جایگاه و موقعیت روسیه از یک قدرت به حاشیه رانده شده، با بهره‌گیری از این فرصت به قدرت بزرگ متحد غرب در مبارزه با تروریسم تبدیل شود و جایگاه سیاسی خود را بسته به موقعیت ژئوپلیتیکی خود تا اندازه‌ای احیا نماید.

جان آل‌خلین (۲۰۰۵) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «فرهنگ ژئوپلیتیک روسیه و افکار عمومی: بازنگری نقاب‌های پروتئوس» تلاش می‌نماید تا بین تصورات عمومی از ژئوپلیتیک و واقعیت‌های سنتی ژئوپلیتیکی که توسط احزاب و رهبران سیاسی مطرح می‌شود، پیوند برقرار کند. بر این اساس روسیه پس از فروپاشی شوروی همواره در پی مکان و هویت گمشده خود بوده است. این بحران هویت ملی هنوز در روسیه حل نشده است و روسیه به عنوان وارث سنت ژئوپلیتیکی قدرت بزرگ شوروی به عنوان قدرت غالب در سرزمین اوراسیا است.

نقدی که بر این متون وارد می‌باشد این است که بیشتر در یک فضای خاص و احساسی روسیه نوشته شده‌اند، که این جوی گذرا و مقطعی بوده است. برای نمونه گراهام اسمیت در دوره‌ی قلم زده است که به دهه فلج روسیه موسوم می‌باشد و سیاست داخلی و خارجی روسیه در سردرگمی بسر می‌برد. همچنین جان آل‌خلین و همکارانش

1. Graham Smith
2. John O'Loughlin

مقالات خود را در زمانی می نویسند که با سیاست‌های رئیس جمهور پوتین، تا حدودی روسیه در عرصه داخلی به ثبات رسیده است و در عرصه خارجی به دنبال تعریفی برای جایگاه بین‌المللی روسیه می‌باشد که پوتین در دوره اول خود سیاست همکاری و همگرایی با غرب را در پیش می‌گیرد. اما در دوره دوم خود سیاست تقابل را بکار می‌بندد که مورد بررسی قرار نگرفته است. در این نوشته به دلیل قدیمی بودن آنها، اشاره‌ای به نتیجه و ادامه سیاست‌ها نشده است و این پژوهش سعی دارد هم نتیجه سیاست‌های بکار گرفته شده را بررسی کند و هم جنبه‌های بیشتری از مسائل ژئوپلیتیک روسیه (انرژی، سازمان‌های منطقه‌ای و اتحادها) را مورد کاوش قرار دهد.

۱-۴- اهداف تحقیق :

- تبیین تاثیر ژئوپلیتیک روسیه بر موقعیت این کشور در ساختار نظام بین‌الملل در قرن ۲۱ می‌باشد.
- تبیین فرصت‌ها و عوامل مثبت و تاثیرگذاری که ژئوپلیتیک برای روسیه به همراه دارد و امکاناتی که روسیه از این طریق بدست آورده است.
- تبیین عوامل تهدیدزا و موقعیت‌های تهدید کننده ژئوپلیتیک برای روسیه می‌باشد.

۱-۵- اهمیت و ارزش تحقیق :

اهمیت این پژوهش بدان جهت می‌باشد که سعی در شناخت جنبه‌ها و مبانی مهم و پایه‌ای سیاست‌های کشوری مهم هم در منطقه اوراسیا و هم در جهان برای تبیین سیاست خارجی واقع بینانه‌تر برای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. اصول و مبانی که هر چند پایدار و ثابت می‌باشند اما شناخت دقیق و کافی از آن وجود ندارد. برای تعاملی سازنده با چنین کشوری مهم شناخت این ابعاد از روسیه ضرورت وافر داشته و برای تاثیرگذاری باید در عرصه بین‌المللی با شناخت و آگاهی کامل از امور بین‌المللی و جایگاه بین‌المللی خاص هر یک از کشورها سیاست‌گذاری نمود.

۱-۶- کاربرد نتایج تحقیق :

نتایج این پژوهش در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی فدراسیون روسیه و شناخت عوامل تاثیرگذار بر این سیاست خارجی می‌باشد، که پی بردن به این جنبه‌ها می‌تواند در دنبال کردن سیاستی موفق و موثر در تعامل با روسیه حائز اهمیت می‌باشد. کاربرد نتایجی که از این پژوهش بدست می‌آید در سیاست‌گذاری‌ها و تجزیه و تحلیل‌ها از مسایل روسیه برای نهادهای مطالعاتی سیاسی، اساتید دانشگاه، دانشجویان و محققین این عرصه می‌باشد.

۱-۷- سوال‌های تحقیق:

۱-۷-۱- سوال اصلی:

ژئوپلیتیک روسیه چه تاثیری بر موقعیت این کشور در ساختار نظام بین‌الملل قرن ۲۱ دارد؟

۱-۷-۲- سوالات فرعی:

۱- روسیه چه فرصت‌های ژئوپلیتیکی در اختیار دارد؟

۲- عوامل تهدیدزای ژئوپلیتیک روسیه کدامند؟

۱-۸- فرضیه تحقیق:

فرضیه اول: روسیه موقعیت مکانی اورآسیا را دارا می‌باشد و این موقعیت سبب شده تا سمت‌گیری‌های چندگانه‌ای در سیاست خارجی خود داشته باشد و این کشور را به شریکی مهم برای اتحادیه اروپا و هم برای ایالات متحده تبدیل کرده است.

فرضیه دوم: وسعت سرزمینی، منابع تحت تسلط نفت (۱۰٪) و گاز (۶۰٪)، جمعیت تحصیل کرده و عمق فضایی و موقعیتی کانونی در اوراسیا، روسیه را به سمت قدرت تاثیرگذار و غیرقابل نادیده گرفتن پیش برده است.

فرضیه سوم: عوامل تهدید کننده ژئوپولیتیکی باعث شده که روسیه را به سمت عدم داشتن تعریف مشخصی از هویت ملی خویش سوق دهد که این باعث شده روسیه در سیاست خارجی خود ثبات و پیشینی‌پذیری نداشته باشد.

۱-۹- روش تحقیق:

شیوه پژوهش در این رساله توصیفی-تحلیلی می‌باشد که با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام گرفته است.

۱-۱۰- ابزار گردآوری داده‌ها:

کتاب، مقاله، اینترنت، فیش برداری و ...

۱-۱۱- ابزار تجزیه و تحلیل:

از منظر روابط بین‌الملل، کشورها، مثل افراد در سیاست داخلی، موضوع اصلی حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل می‌باشند. بنابراین در روابط بین‌الملل سه موضوع اصلی همیشه مورد توجه بوده است: ۱- کشور و روند پیدایش آن؛ ۲- شناخت هدف روابط متقابل کشورها در صحنه بین‌المللی؛ ۳- تجزیه و تحلیل وسایل و شیوه کسب و حفظ منافع ملی (میرحیدر، ۱۳۸۵: ۱۳).

موقعیت مکانی فدراسیون روسیه در حاشیه غرب و دارا نبودن از مرزهایی امن، به تبیین رابطه سختی که در طول تاریخ با غرب داشته است یاری می‌نماید. در عمق تحلیل‌های ژئوپلیتیک این باور وجود دارد که توانایی اقتصادی و نظامی دولت‌ها، جایگاهشان در سلسله مراتب دولت‌ها و چگونگی ارتباطشان با همسایگان، نتیجه عوامل جغرافیایی است. در روابط بین‌المللی، جغرافیا سرنوشت‌ها را رقم می‌زند (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۵۷۶).

ژئوپلیتیک طیف وسیعی از وقایع، برخوردها و تحولات را در درون یک چشم انداز راهبردی بزرگ قالب‌گیری می‌کند و نقطه نظر وسیعی را ارائه می‌دهد که مورد علاقه و مطلوب بسیاری از افراد است. همچنین، یک شیوه فضایی اندیشیدن درباره آرایش بازیگران، عناصر و موقعیت‌های گوناگون را به طور هم‌زمان بر روی صفحه شطرنج جهان نشان می‌دهد (اخباری، ۱۳۸۷: ۴).

نظریه مکیندر که با عنوان «محور جغرافیای تاریخ» اولین بار در سال ۱۹۰۴ مطرح شد، قاره‌های اروپا، آسیا و آفریقا را به عنوان جزیره جهانی می‌شناخت و آن را به همین نام معرفی کرد. از نظر او کلید جزیره جهانی، ناحیه محور یا هارتلند است. وی سرزمین قلب (هارتلند) را ناحیه وسیعی دانست که از اقیانوس منجمد شمالی تا نزدیکی کناره‌های آبی این منطقه ادامه دارد. این ناحیه از غرب به رودخانه ولگا، از شرق به سیبری غربی، از شمال به اقیانوس منجمد شمالی و از جنوب به ارتفاعات هیمالیا، ارتفاعات ایران و ارتفاعات مغولستان محدود می‌شود. ناحیه محور، از سوی هیچ یک از قدرت‌های دریایی مورد تهدید قرار نداشت. به عقیده مکیندر کسی که بر شرق اروپا تسلط یابد، بر سرزمین قلب حاکم خواهد بود. هر کس بر سرزمین قلب حاکم شود، بر جزیره جهانی حاکم خواهد بود؛ و هر کس بر جزیره جهانی حاکم باشد، بر دنیا تسلط خواهد داشت. از نظر مکیندر سرزمین قلب، بزرگترین در طبعی بر روی کره زمین است (اتوتایل، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۰).

در سال ۱۹۴۳ مکیندر بر نظریه خود بازنگری نمود و متوجه شد که ترکیبی از نیروی زمینی و دریایی می‌تواند نقش یک قدرت را بازی کند. به بیان دیگر، ترکیبی از خشکی‌ها و آب‌ها در نیمکره شمالی که از ویژگی‌های خاص جغرافیایی برخوردار باشد، می‌تواند به عنوان نقطه‌ی اتکای کره زمین بهره‌برداری قرار گیرد. (عزتی، ۱۳۸۰: ص ۱۳).

۱-۱۲- سازماندهی پژوهش:

این پژوهش حاضر در پنج فصل مباحث را مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد داد. در ابتدا همان گونه که مطرح شد اهداف و کلیات پژوهش بیان گردید. در فصل دوم مبانی نظری و پژوهشی این نوشتار خواهد آمد و همچنین ارتباط

چارچوب نظری و موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل بعدی عوامل و فرصت‌های مثبت ژئوپلیتیکی برای روسیه مورد واکاوی قرار می‌گیرد. پس از آن در فصل چهارم سعی شده که عوامل و موقعیت‌های تهدید کننده ژئوپلیتیکی برای روسیه تحلیل شود. در فصل پنجم تلاش بر این است که تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی بر موقعیت روسیه در ساختار نظام بین‌الملل تجزیه و تحلیل شود و سرانجام نیز جمع‌بندی از مباحث ارائه شده در این رساله آورده خواهد شد.

فصل دوم

مبانی نظری

۲-۱- مقدمه:

جغرافیا همواره نقش مهمی در امور بشر داشته است. به هویت، سرشت و تاریخ دولت‌های ملی شکل بخشیده، به توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنها یاری رسانده و یا حتی مانع آن شده، و نقش مهمی در مناسبات بین‌المللی آنها بازی کرده است. به بیان دیگر، جغرافیا سرنوشت‌ها را رقم خواهد زد.

هر مکان جغرافیایی در استفاده انسان از آن مکان و تأثیر عقاید و افکار، رویکردها، سیاست، فرهنگ، آداب و رسوم و دیگر خصایص زندگی بر روی محیط جغرافیایی، ماهیت پویای خود را نشان می‌دهد (کامران و دیگران، ۱۳۸۹: ۹). این عوامل در قرن نوزدهم مد نظر جدی دولتمردان قرار می‌گیرد و اوج آن در قرن بیستم نمود پیدا می‌کند. بر این اساس قرن بیستم قرن ژئوپلیتیک بود و از ابداع این اصطلاح در آغاز قرن بیستم تا استفاده مشترک آن تاکنون به عنوان یک نشانه برای تحولات و درگیریهای جهانی، پیشنهادهای پیچیده ژئوپلیتیک یک نگاه روشن به تلاش‌های عظیم در مورد توصیف قدرت و محیط حاکم بر قرن می‌باشد. با ورود قدرت عظیم امپریالیسم در اوایل قرن بیستم و سپس ظهور نازیها در آلمان، ژئوپلیتیک زمینه را برای نگاه به تلاش‌های تاریخی بر روی محیط، فضا و شکل سازمان سیاسی جهان فراهم نمود. در طول سال‌های جنگ سرد، ژئوپلیتیک به منظور تعریف و توصیف مستمر رقابت جهانی بین بلوک سرمایه‌داری غرب و بلوک شوروی که نهایتاً با سقوط شوروی پایان یافت، استفاده شده است. این فروپاشی باعث اهمیت روزافزون ژئوپلیتیک و همچنین توسعه آن به دیگر ابعاد مسائل دنیای جدید شد. اهمیت یابی ژئوپلیتیک با خروج از قالب سنتی آن و ورود به سایر جنبه‌های دانش بشری همزمان بود.

ژئوپلیتیک آن بخش از جغرافیای سیاسی است که از نظر مفاهیم و موضوعات نزدیکی بسیاری با روابط بین‌الملل دارد. موضوع اصلی ژئوپلیتیک مطالعه روابط و پیوندهای فرامرزی میان مکان‌ها در مقیاس‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. مسائل و موضوعات مطرح در ژئوپلیتیک به ویژه در مقیاس‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی شباهت و نزدیکی بسیاری به مسائل و موضوعات مطرح در روابط بین‌الملل در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد (میرحیدری و حمیدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۹). از این رو در این پژوهش مبانی نظری و چارچوب‌های علمی آن را برای تحلیل و واکاوی «تأثیر ژئوپلیتیک روسیه بر موقعیت آن در نظام بین‌الملل» مورد استفاده قرار می‌گیرد. به نظر نگارنده این چارچوب علمی ابزار مناسبی برای شفاف سازی و درک از این موضوع است و می‌تواند تحلیل روشن و مورد موثقی از آن به دست دهد.

سعی شده تا در این فصل شناخت کلی از ژئوپلیتیک بیان شود. بدین منظور در ابتدا تاریخچه‌ای از روند پیدایش و شکل‌گیری واژه ژئوپلیتیک بررسی شده، سپس اهمیت نظری و مبانی ژئوپلیتیک در مطالعات روابط بین‌الملل بیان شده است؛ تعریف مفهومی و نظری ژئوپلیتیک که ابعاد مختلفی از این واژه مدنظر می‌باشد عنوان شده؛ دوره‌های شکل‌گیری و تکامل ژئوپلیتیک بحث بعدی این فصل می‌باشد و سپس جایگاه ژئوپلیتیک در قرن بیست‌ویک عنوان بعدی است. قبل از مطرح شدن بحث نهایی و نتیجه‌گیری، واژه‌گان مهم و کلیدی ژئوپلیتیک که در این پژوهش بسیار مهم می‌باشد بحث شده که در آخر نیز جمع‌بندی از مباحث فصل آورده شده است.

۲-۲- تاریخچه:

تمامی مفاهیم دارای تاریخند و جغرافیا و اصطلاح ژئوپلیتیک نیز استثناء نمی‌باشند. تولد ژئوپلیتیک با ظهور جغرافیا پیوند دقیق و نزدیکی دارد. جغرافیا در مفهوم عام خود رشته‌ای است قدیمی با پیشینه ۲۵۰۰ ساله، که به طور سنتی به هرودوت^۱ می‌رسد (لورو و توال، ۱۳۸۱: ۲-۱). بتدریج با جهان‌گیر شدن سیستم حکومت سرزمینی منتج از قرارداد و استقلالیا (۱۶۴۸) و عالمگیر شدن سیستم حکومت ملی ناشی از انقلاب فرانسه، در واپسین سال‌های قرن نوزدهم، جغرافیدان بزرگ آلمانی فردریش راتزل^۲ با انتشار کتاب «جغرافیای سیاسی» (۱۸۹۷) این شاخه از علم را رسماً به عنوان یک علم دانشگاهی به جهانیان عرضه کرد. او در سخنرانی‌های دانشگاهی خود تلاش می‌نمود تا ژئوپلیتیک را به عنوان یک رشته علمی معرفی نماید (میرحیدر و حمیدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۶). ژئوپلیتیک، به عنوان شکلی از دانش قدرت در دوره رقابت استعمارگران در طی دهه‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۴۵ پدید آمد که در آن هنگام، امپراتوریهای رقیب در

1. Herodotus
2. Freidrich Ratzel

نبردهای متعددی که دو نمونه از آنها جنگ‌های جهانی بودند، درگیر بوده و می‌جنگیدند تا دائماً، محدوده‌های قدرت را که مرزهای نقشه‌های سیاسی جهان بودند، ایجاد، مرتب و سپس تغییر و تصحیح نمایند (اتوتایل، ۱۳۸۷: ۵۱). فریدریش راتزل اصطلاح جغرافیای انسانی را مطرح کرد که به معنای ترکیبی از جغرافیا، انسان‌شناسی و علم سیاست بود. بدین ترتیب، رشته جدید ژئوپلیتیک در قرن نوزدهم در آلمان متولد شد. این رشته جدید در پی آن بود که انسانها، کشورها و جهان را به عنوان موجوداتی زنده مورد مطالعه قرار دهد. به عقیده هاوس هوفر پهنه ارضی کشورها جایگاه قدرت آنها را مشخص می‌کند (دوئرتی و فالترگراف، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

واژه ژئوپلیتیک ابتدا در سال ۱۸۹۹ بوسیله دانشمند علوم سیاسی سوئدی رودلف کیلن^۱ به کار گرفته شد. این واژه از تاریخ طولانی و متنوع و پرفراز و نشیبی در قرن بیستم برخوردار بوده است و پس از معنی اصلی آن که در کارهای کیلن، وجود دارد بخوبی توانسته است در رساندن معنی ارتباط کلی جغرافیا و سیاست (ژئو-پلیتیک) مؤثر باشد (اتوتایل، ۱۳۸۷: ۲۱). دایره‌المعارف بریتانیکا^۲ توضیح می‌دهد که قبل از بکارگیری اصطلاح ژئوپلیتیک، مفهوم‌های مشابه دیگری همچون اصطلاح «سرنوشت محتوم» بین سال‌های ۱۸۶۰-۱۸۳۰ بکار گرفته شده است (Arim, 2001: 33).

راتزل در کتاب جغرافیای سیاسی خود به نقش آفرینی واحد جغرافیایی-سیاسی به عنوان «ارگانسیم نموکننده» که در تکاپو اهداف اخلاقی و روحانی است، پرداخته و نظریه «ارگانسمی بودن حکومت» را ارائه کرده است. این نظریه برای دوره‌ای نسبتاً طولانی، اندیشه مطالعه کنندگان جغرافیایی پدیده‌های سیاسی و مطالعات عمومی ژئوپلیتیک را به این محدود کرد که محیط چگونه بر نقش آفرینی سیاسی انسان چیره می‌شود و در اندیشه سیاسی انسان تأثیر می‌گذارد (افضلی و کیانی، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

ژئوپلیتیک به منزله یک حوزه مطالعاتی، ملهم از کارهای دو محقق بزرگ سده نوزدهم یعنی آلفرد تیر ماهان^۳ و سر هالفورد جان مکیندر بوده است؛ البته می‌توان به تأثیر فردریش راتزل آلمانی و پی‌یر ویدال دالا بلاش فرانسوی هم اشاره کرد. ماهان که در اواخر سده نوزدهم قدرت دریایی را کلید قدرت ملی می‌دانست. مکیندر در ۱۹۱۹ قرینه سرزمینی نظریه ماهان را مطرح ساخت (که در ۱۹۴۳ آن را انکار کرد). مکیندر در نظریه قلب زمین خود مدعی بود که دولتی که سرزمین بینابین آلمان و سیبری را در کنترل خود داشته باشد می‌تواند جهان را کنترل کند (گرفیتس، ۱۳۸۸: ۵۷۵).

1. Rudolph Kjellen
2. Encyclopaedia Britannica
3. Alfred Mahan